

ادبیات رسانه‌ای

با نگاه به آئین نگارش در مطبوعات

نوشته

احمد توکلی*

چکیده

در این مقاله سعی شده است، اصول درست‌نویسی در مطبوعات با مثال‌های عینی و کاربردی ارائه شود. در مقدمه به لحاظ سبک و آئین نگارش - ویژگی‌های یک نوشته خوب مطرح، و در ادامه برخی غلط‌های رایج در سطح رسانه‌ها مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه: آئین نگارش، ادبیات رسانه، درست‌نویسی، قواعد نشانه‌گذاری، ساده‌نویسی

پیشگفتار

نگارش صحیح، بیان روان و ساده و شفافیت در انتقال پیام اساسی‌ترین ارکان نوشتار مطبوعاتی است. در عین حال رعایت اصول نوشتن و مراقبت از زبان به عنوان رکن اساسی فرهنگ ایرانی بر همه روزنامه‌نگاران و اصحاب قلم و رسانه واجب است.

خوب یا بد، درست یا غلط، گفتار و نوشتار مطبوعاتی و رادیو و تلویزیونی از نگاه عامه مردم زبان معیار و الگوی گویش و نوشتار است. به همین علت، اگر اخبار و گزارش‌هایی که روزنامه‌نگاران تهیه و منتشر می‌کنند اشتباه داشته باشد، به سرعت در میان مردم رسوخ می‌کند و به مرور تصویر زنده زبان و ادبیات که ناقل فرهنگ، سنت و هویت قومی و ملی است تغییر می‌یابد. با همین رویکرد، می‌توان گفت که آشنایی با شیوه نوشتن و بیان صحیح مفاهیم به صورت مکتوب از مهم‌ترین نیازهای نویسندگان و خبرنگاران رسانه‌ها است؛ آنان موظف‌اند این هنر را به‌خوبی بیاموزند و در نوشته‌های خود به کار گیرند. مقاله‌ای که پیش روی دارید، سعی کرده است، کارکردهای درست ادبی را با مثال‌های عینی و رسانه‌ای روشن کند و از مبحث گسترده "شیوه نگارش فارسی در مطبوعات" صرفاً به اصول درست‌نویسی اکتفا کرده است.

* روزنامه‌نگار و دانشجوی دکتری مدیریت رسانه در دانشگاه آزاد اسلامی

دانشجوی رشته ادبیات از استاد خود، می پرسد: «بخشید استاد! اگر بخواهم درست نویسی را در منزل تمرین کنم، شما چه راهی را پیشنهاد می کنید؟» استاد بدون مکث می گوید: «روزنامه جانم! روزنامه. و ادامه می دهد، روزنامه ای بخر و نوشته های آن را اصلاح کن. دانشجوی دوباره می پرسد: «آیا روزنامه خاصی را پیشنهاد می کنید؟ استاد بدون مکث ادامه می دهد: «نه جانم، همه روزنامه ها.»

امیدوارم ناراحت نشده باشید. می دانم که مخاطب این مقاله روزنامه نگاران هستند. اما این یک واقعیت است. من خودم هم روزنامه نگارم و از این اتهام مبرا نیستم؛ شما هم بی جهت دنبال مقصر نباشید؟ می توانیم بدون مکث گناه را گردن خبرگزاری ها بیندازیم، مگر نه اینکه ما مصرف کنندگان بی کم و کاست تولید آنها هستیم! اما بدانید همان طور که ما امروز کاغذ/خبر میرزا صالح شیرازی را زیر ذره بین قرار می دهیم و آن را تجزیه و تحلیل می کنیم، روزی نیز آیندگان درباره ادبیات نوشتاری ما در مطبوعات قضاوت خواهند کرد. و بعد خواهند گفت: عجب غلط نویسان قهاری بوده اند. آنها به بهانه های ما توجه نخواهند کرد.

یک راه دیگر هم برای پرهمیز از قضاوت منفی آیندگان وجود دارد و آن، اینکه آن قدر بر شیوه غلط نویسی خود اصرار ورزیم که به یک رویه مبدل شود (البته تا همین الان هم شده است) و آیندگان نیز همان گونه تربیت نوشتاری شوند، که وقتی به گذشته برگردند و نوشته ما ببینند، فریاد احسن سردهند و غبطه نوشته های ما را بخورند.

بی تردید رعایت اصول درست نویسی در مطبوعات سخت است، چون ما روزنامه نگاران اسیر سرعت هستیم؛ ساده است چون اصول پیچیده و فیلسوف مابانه ندارد.

بخشی از این مشکل باید در مدارس و با کمک معلمان انشاء و ادبیات حل شود تا نسلی که تربیت می شود و سال های بعد در عرصه اجتماع و رسانه فعال می شود از نظر ادبی فرهیخته تربیت شده باشد؛ بخشی نیز به کمک ویراستاران در سطح تحریریه های خبری باید اصلاح شود و نهایتاً استادان دانشگاهی ما در رشته های روزنامه نگاری باید در این درس سنگ تمام بگذارند، تا مجموعه این تلاش ها، وضعیت ادبیات نگارشی ما را در سطح رسانه ها بهبود بخشد. و البته اگر روزنامه نگاران و خبرنگاران هم کمی همت، دقت و تعصب چاشنی کارشان کنند، مستحق ستایش و احسنت خواهند بود.

یکی از نکات عمده در نگارش رسانه ای رعایت اصول ساده نویسی است، شاید این جمله که «روزنامه نگاران باید به زبان آدمیزاد بنویسند.» منجر به نوعی بی قیدی در رعایت انشای مطبوعاتی و رادیو-تلویزیونی شده است. با وجود این، باید توجه داشت که وقتی می گوئیم به زبان آدمیزاد منظورمان در ساده نوشتن است نه اینکه اشتباه های رایج کوچک و بازار را به میان اخبار و گزارش های رسانه ای بکشانیم؛ هر چند که اگر به همین عادت کوچک و بازار هم عمل می کردیم، نوشته ای درست تر پیش روی مخاطب قرار می دادیم. مثلاً شما وقتی از کسی که وارد اتاق شده، می پرسید: «بیرون چه خبر؟» پاسخ می شنوید: «هوای بیرون به شدت سرد است.» و ما می نویسیم «گفت: هوای بیرون به شدت سرد می باشد.» مشخص نیست واژه «می باشد» به جای «است» را از کجا ابداع کرده ایم. «عدم» به معنای نیستی در مقابل «وجود» به معنای هستی است. با وجود این، اصطلاح «عدم وجود» به معنای ضعف در یک چیز، از کجا به ادبیات نگارشی ما راه پیدا کرده است. به کرات در ادبیات روزنامه نگارانه و ادیبانه نسبت به افعال معلوم و مجهول

بحث شده است، کلمه "توسط" را کمی قرار است، در جمله و یا حتی تیرهای رسانه‌ای اصلاح کنیم و درست به کار ببریم.

با این مقدمه سوزن‌گونه که مشخص نیست جوالدوزش را به چه کسی باید زد (احتمالاً فرهنگستان زبان!) اجازه بدهید کمی مشخص‌تر و بدون ایما، اشاره و کنایه به اصل موضوع بپردازیم و ببینیم چگونه بنویسیم درست است: «از حیث سبک و آئین درست‌نویسی موارد زیر را از ویژگی‌های یک نوشته خوب می‌توان برشمرد (گیوی، و همکاران، ۱۳۷۱: ۶):

۱. ساده‌نویسی: سادگی از ضروریات نوشته است، ولی نویسنده نباید در این امر افراط ورزد و کار را به ابتدال بکشاند؛ بلکه باید نوشته او ساده و روان و در عین حال تا در این عصر شتاب و سرعت، مانند چیستان به اتلاف وقت و تأمل بیجا محتاج نباشد؛ بلکه نوشته را به آسانی بخواند و به خوبی بفهمد.

۲. رعایت عفت و پاکی فکر: در همه نوشته‌ها باید عفت قلم را رعایت کرد و از استعمال الفاظ زشت و رکیک و همچنین فحاشی و توهین نسبت به افراد برکنار بود؛ زیرا فحش و ناسزا نوشته را در نظر خواننده بی‌مقدار و نویسنده را خوار می‌دارد.

۳. وحدت موضوع: منظور از وحدت موضوع، فراهم آمدن تناسب و ربط طبیعی معانی مورد بحث در نوشته با یکدیگر است؛ به عبارت دیگر، نویسنده باید در سراسر متن با هماهنگی کامل، پیرامون موضوع اصلی دور زند و تأثیری واحد در ذهن خواننده القا کند.

۴. حدود و شیوه استفاده از صنایع ادبی و آرایش کلام: صنایع ادبی در گیرایی و زیبایی و خوشایندی اثر و جلب توجه خواننده سخت مؤثر است. آوردن تشبیه زیبا، استعاره لطیف، کنایه به موقع و به جا، توصیف بدیع، ضرب‌المثل مناسب، شعر نغز و دلپذیر، می‌سازد، اما در استخدام آنها باید راه افراط نرفت و فقط بر آسانی درک مطلب، زیبایی اثر و رفع خستگی خواننده از آنها مدد گرفت؛ نه اینکه بدون رعایت ضرورت و مقتضای حال، چندان به صنایع و آرایشگری پرداخت که اصل موضوع فراموش شود و خواننده از درک مطلب باز ماند یا خسته و ملول گردد.

۵. رعایت اختصار: باید بکوشیم که نوشته ما تا سرحد امکان مختصر و مفید باشد و از بحث‌های خارج از موضوع جدا خودداری کنیم، مگر اینکه برای اثبات نکته یا مطلبی، ضرورتی پیش می‌آید.

۶. واژه دشوار و بیگانه: باید از کاربرد لغات و اصطلاحات دشوار و دور از ذهن و همچنین واژه‌ها و ترکیباتی که معنی و مورد استعمال آنها را دقیقاً نمی‌دانیم، احتراز جوئیم و نیز سعی کنیم تا می‌توانیم لغات بیگانه را که مترادف آنها در فارسی موجود است در نوشته خود نیاوریم.

۷. املائی کلمات: در املائی واژه‌ها و وصل و فصل ترکیب‌های باید دقت کنیم و هرگز لغاتی که املائی درست آنها را نمی‌دانیم به کار نبریم.

۸. نکات دستوری: در سراسر نوشته باید قواعد دستوری را رعایت کنیم و ارکان و اجزای جمله را در جای مناسب خود بیاوریم.

۹. رعایت قواعد نشانه‌گذاری: یکی از عواملی که در روشنی بیان نویسنده و سهولت درک خواننده، سخت مؤثر است. رعایت قواعد نقطه‌گذاری است؛ از این رو، برماست که همه جا آن را رعایت کنیم.

با همه این توصیه‌ها برای آموزش نگارش، هیچ دستورالعمل، خاص، روشن و یکدستی وجود ندارد، و اختلاف‌نظر در برخی دستورالعمل‌ها از سوی استادان این رشته کاملاً مشهود است. در عین حال به نظر می‌رسد همکاران مطبوعاتی و روزنامه‌نگاران باید موارد زیر را در جمله نویسی‌های خبری خود رعایت کنند:

توسط: توسط از جمله واژه‌هایی است که اغلب در مطبوعات به غلط استفاده می‌شود. و کمتر مشاهده شده که در جای خود قرار گیرد.

«توسط» کلمه عربی است و بنا به تعریف فرهنگ جیبی عمید به معنای «میان واقع شدن، میانه بودن، میانجی شدن، میانه‌روی، میانجیگری» است. به نوشته فرهنگ معاصر فارسی این تعریف که همان عمل یا فرایند واسطه شدن است، نامتداول است. مثلاً اگر شما به جای اینکه بنویسید: «آمریکا مجبور به میانجیگری میان فلسطینی‌ها و اسرائیل شد.» بنویسید: «آمریکا مجبور به توسط میان فلسطینی‌ها و اسرائیل شد.» مخاطب با تعجب به شما نگاه خواهد کرد. در فرهنگ معاصر فارسی تعریف دیگری هم وجود دارد «توسط» یعنی «با واسطه، به وسیله، به کمک».

مثال: آمریکا توسط حسنی مبارک برای بشار اسد رئیس جمهور سوریه پیغام فرستاد.
اکنون به کاربرد غلط آن در مطبوعات توجه کنید:

◀ حمله به مناطق مسکونی بغداد توسط جنگنده‌های آمریکایی تلفات انسانی سنگینی برجای گذاشت.
◀ پذیرفتن درخواست ایران توسط فیلا مبنی بر وزن‌کشی مسابقات جام جهانی کشتی آزاد یک روز قبل از آغاز مسابقات به نفع کشتی‌گیران ما تمام شد.
◀ ساختن شهر زلزله‌زده بم توسط مردم خوب کشورمان ...

حتی اگر در جمله‌های بالا نزدیک‌ترین معنا یعنی «به‌وسیله» را جایگزین «توسط» کنیم. باز هم جملات ما خالی از اشکال نخواهند بود؛ لذا بهتر است بنویسیم:

◀ حمله جنگنده‌های آمریکایی به مناطق مسکونی بغداد تلفات انسانی سنگینی بر جای گذاشت.
یا اگر بخواهیم از اصل برجسته‌سازی استفاده کنیم می‌توانیم بنویسیم:
◀ آمریکا با حمله به مناطق مسکونی بغداد، توسط جنگنده‌های خود، تلفات انسانی سنگینی به بار آورد.
◀ موافقت فیلا با درخواست ایران مبنی بر وزن‌کشی مسابقات جام جهانی کشتی آزاد یک روز قبل از آغاز مسابقات به نفع کشتی‌گیران ما تمام شد.
◀ ساختن شهر زلزله‌زده بم به دست مردم خوب کشورمان ...

از سوی: برخی از سره‌نویسان تصور کرده‌اند که اگر به جای توسط (باوسیله) واژه فارسی بگذارند تصنع و ابهامی را در این جمله‌بندی‌هاست را می‌توانند برطرف کنند و برای این منظور ترکیب «از سوی» را ساخته‌اند. اما در جمله‌ای مانند «شهر از سوی دشمن آتش زده شد.» تصنع باقی است و ابهام شدیدتر شده است، زیرا معلوم نیست که آیا دشمن به دست خود شهر را آتش زده است یا آتش‌سوزی نخست از سمت دشمن آغاز شده و سپس به سمت شهر پیش

رفته است. علاج کار در تغییر واژه‌ها نیست، بلکه در تغییر ساخت جمله است و کوشش ما نخست باید مصروف این شود که جمله‌بندی فارسی باشد نه واژه‌های آن. از این گذشته، عبارتی چون: «نماینده ایران از سوی معاون وزارت خارجه تا فرودگاه بدرقه شد.» واقعاً زشت و ناهنجار است. آیا ساده‌تر این نیست که پیروی کورکورانه از ساخت عبارت فرنگی را کنار بگذاریم و ساده و طبیعی بگوییم: «نماینده ایران را معاون وزارت امور خارجه تا فرودگاه بدرقه کرد» (ابوالحسن نجفی، ۱۳۸۲: ۱۲۲).

به جمله‌های زیر توجه کنید! از این اشتباه نوشتن‌ها در مطبوعات، خبرگزاری‌ها و رادیو-تلویزیون بسیار مشاهده می‌کنید:

- ◀ **ننویسید:** تسهیلاتی از سوی دولت در اختیار جنگ‌زدگان قرار گرفت.
- ◀ **بنویسید:** دولت تسهیلاتی را در اختیار جنگ‌زدگان قرار داد.
- ◀ **ننویسید:** عده‌ای از دانشجویان بر اثر تیراندازی از سوی مأموران پلیس زخمی شدند.
- ◀ **بنویسید:** عده‌ای از دانشجویان بر اثر تیراندازی مأموران پلیس زخمی شدند.
- ◀ **ننویسید:** حمله به مناطق مسکونی بغداد از سوی جنگنده‌های آمریکایی تلفات انسانی سنگینی برجای گذاشت.
- ◀ **بنویسید:** حمله جنگنده‌های آمریکایی به مناطق مسکونی بغداد تلفات انسانی سنگینی برجای گذاشت.

حذف فعل به قرینه: هر جمله دارای بخش‌های اصلی (ارکان) و بخش‌های کامل‌کننده (اجزاء) است. این ارکان و اجزاء نباید از جمله حذف شوند، مگر آنکه قرینه‌ای (نشانه) بر حذف آنها دلالت کند و جای خالی‌شان را پر کند. جمله‌ای که دارای رکن یا جزء حذف شده بدون قرینه باشد، بدون تردید غلط است. لذا توجه داشته باشید که اگر فعل را حذف می‌کنید حتماً این حذف باید به قرینه انجام شود.

- ◀ **غلط:** مراسم بزرگداشت شهدای شهرداری تهران در فرهنگسرای بهمن برگزار و شهردار در این مراسم به سخنرانی پرداخت.
- ◀ **درست:** مراسم بزرگداشت شهدای شهرداری تهران در فرهنگسرای بهمن برگزار شد و شهردار در این مراسم به سخنرانی پرداخت.
- ◀ **غلط:** تظاهرکنندگان آرژانتینی دولت این کشور را به تبعیض نژادی و اعمال خشونت نسبت به اقلیت‌ها متهم و نخست‌وزیر را مسئول ناآرامی‌های اخیر دانستند.
- ◀ **درست:** تظاهرکنندگان آرژانتینی دولت این کشور را به تبعیض نژادی و اعمال خشونت نسبت به اقلیت‌ها متهم کردند و نخست‌وزیر را مسئول ناآرامی‌های اخیر دانستند.
- ◀ **غلط:** خورشید گرفتگی در ساعت ۵ به وقت تهران شروع و در ساعت ۹ پایان می‌یابد.
- ◀ **درست:** خورشید گرفتگی در ساعت ۵ به وقت تهران شروع می‌شود و در ساعت ۹ پایان می‌یابد.
- ◀ **غلط:** برنامه ورود مقامات آمریکایی به بغداد به‌گونه‌ای تنظیم شده بود که همزمان حکومت نظامی در شهر برقرار و ناآرامی‌ها کاهش یابد.
- ◀ **درست:** برنامه ورود مقامات آمریکایی به بغداد به‌گونه‌ای تنظیم شده بود که همزمان حکومت نظامی در شهر برقرار شود و ناآرامی‌ها کاهش یابد.

در هیچکدام از جمله‌های غلط بالا حذف فعل به قرینه صورت نگرفته است. پس در صورتی می‌توانیم فعل را حذف کنیم که به قرینه باشد. به جمله آخر توجه کنید! اگر به این شکل بود ایراد نداشت:

«برنامه ورود مقامات آمریکایی به بغداد به‌گونه‌ای تنظیم شده بود که همزمان حکومت نظامی در شهر برقرار و آرامش نیز حاکم شود.»

وجه وصفی: وجه وصفی، چنان که از اسمش بر می‌آید، صفت است منتها صفتی که از ماده فعلی ساخته می‌شود و ساخت صیغه‌اش بن ماضی + های بیان حرکت است و متناظر است با *participle passé* در زبان فرانسه و *past participle* در زبان انگلیسی؛ مثل افتاده از مصدر افتادن و نشسته از مصدر نشستن؛ و آن فعل نیست یعنی زمان و شخص و وجه ندارد (سمعی، ۱۳۸۳: ۱۶۴).

«غلط: این اتوبوس‌ها بر اساس استاندارد یورو ۲۰۰۰ ترمیم شده، ولی براساس شرایط فعلی به هیچ وجه رضایت بخش نیستند.»

«درست: این اتوبوس‌ها بر اساس استاندارد یورو ۲۰۰۰ ترمیم شده‌اند ولی براساس شرایط فعلی به هیچ‌وجه رضایت بخش نیستند.»

«غلط: ایران از اروپا خواست حق ایران برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای را به رسمیت شناخته و به آن احترام بگذارد.»

«درست: ایران از اروپا خواست حق جمهوری اسلامی برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای را به رسمیت بشناسد و به آن احترام بگذارد.»

«غلط: گلاب‌گیری در کاشان به یک حرفه درآمدزا مبدل شده و به تمام منطقه ارسال می‌شود.»

«درست: گلاب‌گیری در کاشان به یک حرفه درآمدزا مبدل شده است و به تمام منطقه ارسال می‌شود.»

«غلط: مدیر مسئول روزنامه/ایران که به دادگاه فراخوانده شده، فردا محاکمه می‌شود.»

«درست: مدیر مسئول روزنامه/ایران که به دادگاه فراخوانده شده است، فردا محاکمه می‌شود.»

کاربرد "علیه": واژه "علیه" در مقابل "له" در فارسی به معنای "به زیان" در مقابل "به سود" به کار برده می‌شود. می‌گوییم: «در اجلاس حکام، آمریکا علیه ایران و سوریه له ایران رأی داد.» این دو واژه در حقیقت جایگزین "بر" و "با" که در ادبیات قدیم کاربرد داشته‌اند، شده است. در قدیم همین معنا چنین بیان می‌شد: «در اجلاس حکام، آمریکا بر ایران و سوریه با ایران بود.» گفته می‌شود واژه "علیه" حدود یک قرن پیش از طریق مرآده فرهنگی امپراتوری عثمانی (ترکیه امروز) به جای *contre* فرانسه، به ایران آمده است و جایگزین کلمه عربی "ضد" شده است (کاخچی، ۷۴). در حالی که معنای اصلی آن "بر اوست" است. با این تعریف استفاده از این کلمه در بسیاری از جمله‌های مرسوم در زبان فارسی صحیح به کار برده نمی‌شود. مثلاً وقتی می‌گوییم: «ایران علیه آمریکا به دادگاه لاهه شکایت می‌کند.» در اصل می‌گوییم: «ایران بر اوست آمریکا به دادگاه لاهه شکایت می‌کند.»

این غلط چنان رایج شده است که بسیاری از ادبای معاصر کلمه "علیه" در جمله بالا را با همان معنای "ضد" قابل پذیرش می‌دانند. اما از این موضوع مهم‌تر و غلط غیرقابل چشم‌پوشی

به کار بردن "بر" در کنار و همراه با "علیه" است. جمله بالا را به این شکل بخوانید: «ایران بر علیه آمریکا به دادگاه لاهه شکایت می کند.» در اینجا دیگر غلط کاملاً محرز شده است. این جمله به این معناست که بگوییم:

«ایران علیه علیه آمریکا به دادگاه لاهه شکایت می کند.» چرا که "بر" همان طور که در بالا گفته شد به معنای علیه است. وقتی به دوستان می گوییم: «من با تو هستم نه بر تو» یعنی: «من طرف تو هستم و نه علیه تو».

واژه "علیه" هیچ گاه در فارسی جایگاه اصلی خود را نیافته است و در بسیاری از موارد حتی بدون دلیل نیز به کار برده می شود. به این جمله توجه کنید: «دولت مبارزه علیه گران فروشی را از ابتدای ماه آینده آغاز می کند.» در حالی که هیچ نیازی به ذکر کلمه "علیه" نیست و می توانیم به جای آن بگوییم: «دولت مبارزه با گران فروشی را از ابتدای ماه آینده آغاز می کند.» چرا که خود کلمه مبارزه جنبه منفی را تداعی می کند. یا: «دولت به جنگ علیه نابرابری و تبعیض در مناطق محروم برمی خیزد.» در حالی که جمله درست به این شکل است: «دولت به جنگ با نابرابری و تبعیض در مناطق محروم بر می خیزد.»

جمع بندی: اگر "علیه" را به معنای "برضد" بپذیریم، می توانیم بگوییم:

◀ غلط: ایران بر علیه آمریکا به دادگاه لاهه شکایت کرد.

◀ درست: ایران علیه آمریکا به دادگاه لاهه شکایت کرد.

◀ درست: ایران برضد آمریکا به دادگاه لاهه شکایت کرد.

◀ غلط: سازمان ملل متحد به مبارزه جدی علیه تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی پرداخته است.

◀ درست: سازمان ملل متحد به مبارزه جدی با تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی پرداخته است.

◀ غلط: مبارزه علیه گران فروشی باید در دستور کار دولت قرار گیرد.

◀ غلط: مبارزه برضد گران فروشی باید در دستور کار دولت قرار گیرد.

◀ درست: مبارزه با گران فروشی باید در دستور کار دولت قرار گیرد.

کاربرد "را": توجه داشته باشید که کلمه "را" از جمله واژه هایی است که بعضی مواقع بر اثر سهل انگاری نویسنده در جمله به صورت غلط به کار گرفته می شود. این واژه در جمله کاربردهای مختلفی دارد، از جمله اینکه وقتی می گوییم: «معلم را گفتند» "را" کاربرد "بای" مفعولی را پیدا می کند. یعنی «به معلم گفتند»، اما اشتباه در به کارگیری این واژه بیشتر زمانی است که به عنوان نشانه مفعول بی واسطه (صریح) به کار گرفته می شود: «من سارق را دیدم»، همان طور که در این جمله ملاحظه می کنید "را" بلافاصله بعد از مفعول نوشته شده است. به کاربرد غلط این واژه در جمله توجه کنید:

◀ غلط: ایران، حمله نیروهای آمریکایی به خاک عراق را محکوم کرد.

◀ درست: ایران، حمله نیروهای آمریکایی را به خاک عراق محکوم کرد.

◀ غلط: وزارت ارشاد اسلامی حمله عده ای به تئاتر خیابانی «مترسک» را مشکوک خواند.

◀ درست: وزارت ارشاد اسلامی حمله عده ای را به تئاتر خیابانی «مترسک» مشکوک خواند.

◀ غلط: «مورگان فریمن» شایعه حضورش در فیلم ترمیناتور ۴ را به شدت تکذیب کرد.

◀ درست: «مورگان فریمن» شایعه حضورش را در فیلم ترمیناتور ۴ به شدت تکذیب کرد.

«غلط: تظاهر کنندگان در روز ۲۲ بهمن، مواضع دولت در مناقشه هسته‌ای با قدرت‌های غربی و آمریکا را تأیید کردند.

«درست: تظاهر کنندگان در روز ۲۲ بهمن، مواضع دولت را در مناقشه هسته‌ای با قدرت‌های غربی و آمریکا تأیید کردند.

گاهی مواقع نیز "را" در جمله بعد از فعل به کار می‌رود. که کاملاً غلط است.^۱

«غلط: شهرداری تهران اعلام کرد، ساختمان‌هایی که بیش از ۵۰ سال از عمر آنان می‌گذرد را خریداری و تخریب می‌کند.

«درست: شهرداری تهران اعلام کرد، ساختمان‌هایی را که بیش از ۵۰ سال از عمر آنان می‌گذرد، خریداری و تخریب می‌کند.

«غلط: دولت، حضور گستردهٔ مردمی در روز قدس که از سوی رسانه‌های خارجی بی‌نظیر توصیف شد را نشانهٔ علاقه مردم به سرنوشت فلسطین دانست.

«درست: دولت، حضور گسترده مردمی در روز قدس را که از سوی رسانه‌های خارجی بی‌نظیر توصیف شد، نشانهٔ علاقهٔ مردم به سرنوشت فلسطین دانست.

گاهی مواقع «را» در جمله کاملاً زائد به کار می‌رود.

«غلط: ایران به سازمان ملل متحد طرحی را پیشنهاد کرده است.

«درست: ایران به سازمان ملل متحد طرحی پیشنهاد کرده است.

«غلط: تیم شمشوک هیچ امتیازی را در تهران به دست نیاورد.

«درست: تیم شمشوک هیچ امتیازی در تهران به دست نیاورد.

کاربرد "یک": روزنامه‌نگاران بعضی مواقع بیش از اندازه از واژه "یک" در جمله استفاده می‌کنند. مثلاً: «براساس یک گزارش تأیید نشده، دولت تصمیم دارد، یک لایحهٔ دربارهٔ مبارزه با

گران‌فروشی در یک ماه آینده به مجلس ارائه کند. سخنگوی دولت که در جمع خبرنگاران سخن می‌گفت، همچنین از تجار و کسبه خواست یک فکر عاجل برای این موضوع به عمل

آورند، تا دولت مجبور به واکنشی تند در قبال آن نشود. الهام همچنین از بخش خصوصی خواست در قبال عملکرد غیرمسئولانه برخی افراد و مؤسسه‌ها که خودسرانه به افزودن قیمت‌ها

اقدام کرده‌اند، دست به یک اقدام جدی بزنند.» این جمله را می‌توانیم به این صورت بنویسیم:

براساس گزارشی تأیید نشده، دولت تصمیم دارد، لایحه‌ای دربارهٔ مبارزه با گران‌فروشی ماه آینده به مجلس ارائه کند. سخنگوی دولت که در جمع خبرنگاران سخن می‌گفت، همچنین از تجار و

کسبه خواست فکر عاجلی برای این موضوع به عمل آورند، تا دولت مجبور به واکنشی تند در قبال آن نشود. الهام همچنین از بخش خصوصی خواست در قبال عملکرد غیرمسئولانه برخی

افراد و مؤسسه‌ها که خودسرانه به افزودن قیمت‌ها اقدام کرده‌اند، دست به اقدامی جدی بزنند.

و همچنین مثال‌های زیر:

«غلط: او واقعاً مانند یک غواص عمل می‌کند.

«درست: او واقعاً مانند غواص عمل می‌کند.

«غلط: یک بازیکن عاقل می‌داند که چطور خود را از مخمصه خبرنگاران خلاص کند.

«درست: بازیکن عاقل می‌داند که چطور خود را از مخمصه خبرنگاران خلاص کند.

اگر به متن بالا توجه کنید، می‌بینید که لزومی به نوشتن هیچ‌یک از "یک" ها نیست.

کاربرد "که" زائد: روزنامه‌نگاران بعضی مواقع حرف "که" را در جمله به‌طور زائد به کار می‌گیرند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

- ◀ وزیر امور خارجه گفت که ماه آینده در دیدار با همتای فرانسوی خود در حاشیه اجلاس زنو درباره مصوبه اخیر اجلاس حکام به گفت‌وگو خواهد نشست.
- ◀ یونسکو تلاش می‌کند که از جریان آزاد اطلاعات حمایت و ظرفیت‌های ارتباطی کشورهای در حال توسعه را تقویت کند.
- ◀ در وضعیت دیگری وزیر دفاع اسرائیل گفت که نخست وزیر منتخب جنبش مقاومت اسلامی حماس از برنامه‌های ترور هدفمند اسرائیل در امان نخواهد بود.
- ◀ مردم به آنچه که مطبوعات می‌گویند گوش فرا می‌دهند، و آن را باور می‌کنند.

در تمام جمله‌های بالا که زائد است و باید حذف شود، شما همین جملات را بدون در نظر گرفتن که بخوانید! آیا جمله‌ها بدون آنکه لطمه‌ای به آن وارد شود، روان‌تر خوانده نمی‌شوند؟

کاربرد "به عنوان": روزنامه‌نگاران بعضی مواقع عبارت "به عنوان" را که از کلمه "as" انگلیسی وارد زبان فارسی شده به غلط در جمله به کار می‌گیرند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

◀ غلط: او به عنوان یکی از نمایندگان مجلس سعی کرد از حقوق خودش در قبال نمایندگان اکثریت دفاع کند.

◀ درست: او سعی کرد از حقوق نمایندگی خود در قبال نمایندگان اکثریت مجلس دفاع کند.

◀ غلط: آمریکا سعی دارد مسلمان را به عنوان مسئول بی‌ثباتی در خاورمیانه معرفی کند.

◀ درست: آمریکا سعی دارد مسلمان را مسئول بی‌ثباتی در خاورمیانه معرفی کند.

◀ غلط: مردم سعی می‌کنند از حقوق خود به عنوان شهروند دفاع کنند.

◀ درست: مردم سعی می‌کنند از حقوق شهروندی خود دفاع کنند.

◀ غلط: علی دایی سعی می‌کند خود را به عنوان نماینده شایسته جمهوری اسلامی معرفی کند.

◀ درست: علی دایی سعی می‌کند خود را نماینده شایسته جمهوری اسلامی معرفی کند.

جدایی اجزای فعل مرکب از هم: خبرنگاران باید افعال مرکب را بشناسند و نگذارند که بین اجزای یک فعل در جمله فاصله بیفتد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

◀ غلط: روزنامه‌نگاران خبر از برگزاری کنفرانس مطبوعاتی رئیس جمهور در ایام مانور عاشورا دادند.

◀ درست: روزنامه‌نگاران از برگزاری کنفرانس مطبوعاتی رئیس جمهور در ایام مانور عاشورا خبر دادند.

◀ غلط: هنگام مسابقه میان تیم ملی ایران و آلمان در استادیوم آزادی بخش ویژه‌ای اختصاص به بانوان دارد.

◀ درست: هنگام مسابقه میان تیم ملی ایران و آلمان در استادیوم آزادی بخش ویژه‌ای به بانوان اختصاص دارد.

◀ غلط: اینکه حق با کدام گروه است، بستگی به تعریف شما از موضوعی به نام "حق" دارد.

◀ درست: اینکه حق با کدام گروه است، به تعریف شما از موضوعی به نام "حق" بستگی دارد.

◀ غلط: صدام حسین که متهم به داشتن رابطه با اسرائیل است، می‌گوید....

◀ درست: صدام حسین که به داشتن رابطه با اسرائیل متهم است. می‌گوید...

◀ غلط: همهٔ هنرپیشه‌ها تلاش برای به‌دست آوردن نقش اول فیلم می‌کردند.

◀ درست: همهٔ هنرپیشه‌ها برای به‌دست آوردن نقش اول فیلم تلاش می‌کردند.

یا

◀ درست: همهٔ هنرپیشه‌ها تلاش می‌کردند نقش اول فیلم را به‌دست آورند.

کاربرد "می‌باشد" به جای "است": از آنجایی که زبان مطبوعات، زبان مردمی است، نوشتار ما نیز باید به این زبان نزدیک باشد. اگر زمانی که به خانه رفته‌اید، از شما بپرسند، هوای بیرون چطور بود؟ شما نخواهید گفت: «هوا سرد می‌باشد.» بلکه می‌گویید: «هوا سرد است.» پس جایز است همین‌طور هم بنویسید. لذا توصیه می‌شود "است" یا "هست" جانشین "می‌باشد" کنید. به مثال‌های زیر توجه کنید:

◀ موضوع انرژی هسته‌ای ایران از موضوعات مهم این اجلاس می‌باشد. بهتر است، بنویسیم: ...از موضوعات مهم این اجلاس است.

◀ کشورهای چین و کره در اوج اقتصادی می‌باشند.

بهتر است بنویسیم:

◀ کشورهای چین و کره در اوج اقتصادی‌اند یا (هستند).

◀ دولت فرانسه در پی ناآرامی‌های اخیر پاریس اعلام کرد، هر گونه اجتماع بیش از ۳ نفر پس از ساعت ۶ بعد از ظهر ممنوع می‌باشد. بهتر است بنویسیم: ممنوع است.

◀ بیش از ۱۰ درصد این جمعیت به آنفولانزای مرغی مبتلا می‌باشند. بهتر است بنویسیم: مبتلا هستند.

کاربرد "کنکاش" به جای "کاوش": کنکاش به معنی مشورت و "کنکاش کردن" به معنی "گفت‌وگو کردن به قصد چاره‌اندیشی" است، در حالی که برخی مواقع به اشتباه جای کاوش (به معنای کاویدن) را در جمله می‌گیرد. به جمله‌های زیر توجه کنید:

◀ غلط: بیاییم درون خودمان را کنکاش کنیم، شاید گوهری بیابیم.

◀ درست: بیاییم درون خودمان را کاوش کنیم، شاید ...

◀ غلط: کوزه‌های سفالین متعلق به هخامنشیان در کنکاش اتفاقی کودکان کشف شد.

◀ درست: ... در کاوش اتفاقی کودکان کشف شد.

◀ غلط: مدتی را در غار به کنکاش پرداختند، با این امید که شاید رگه‌هایی از طلا پیدا کنند.

◀ درست: مدتی در غار به کاوش پرداختند...

کاربرد انجام / انجام کار: واژه فارسی "انجام" به معنای "پایان" است. "این کار به انجام رسید." یعنی "این کار پایان یافت." روزنامه‌نگاران برخی مواقع آن را به جای "اجرا" در جمله قرار می‌دهند، که غلط است. لذا به جای آنکه بنویسید: «دولت تمایل به انجام طرح مبارزه با گران‌فروشی دارد. بنویسید: «دولت تمایل به اجرای طرح مبارزه با گران‌فروشی دارد.»

این واژه ترکیبات فعلی نیز دارد: مثل: انجام دادن یا انجام پذیرفتن یا انجام شدن. و... به کرات دیده شده خبرنگاران و رسانه‌ای‌ها این ترکیب فعلی را غلط به کار می‌گیرند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

« غلط: انجام این کار موجب شد تا سربازان عراقی تلفات سنگینی بدهند.
« درست: انجام دادن این کار موجب شد تا سربازان عراقی تلفات سنگینی بدهند.
به مثال‌های زیر توجه کنید:

« غلط: دانش‌آموزان از انجام تکالیف خود سرباز زدند.
« درست: دانش‌آموزان از انجام دادن تکالیف خود سرباز زدند.

« غلط: شدت سیل به حدی بود که انجام هر گونه کمک غیرممکن شده بود.
« درست: شدت سیل به حدی بود که اقدام برای هر گونه کمک غیرممکن شده بود.

« غلط: انجام انتخابات در پاکستان عملاً در پی قیام مردمی ناممکن شد.
« درست: برگزاری انتخابات در پاکستان عملاً در پی قیام مردمی ناممکن شد.

« غلط: انجام انتخابات زودرس در فیلیپین...

« درست: انتخابات زودرس در فیلیپین...

« غلط: آنها در حال انجام وظیفه بودند.

« درست: آنها به وظیفه‌شان عمل می‌کردند.

« غلط: مقامات دولتی متهم به انجام حیف و میل شدند.

« درست: مقامات دولتی متهم به حیف و میل شدند.

کاربرد عدم: "عدم" به معنای نیستی است، در حالی که در بسیاری از مواقع ما آن را به جای نبودن و ضعف در یک عمل به کار می‌گیریم به مثال‌ها توجه کنید: «او به علت عدم توانایی قادر به اجرای وظایف خود نبود.» «او به علت نداشتن توانایی قادر به اجرای وظایف خود نشد.» یا «مرد به دلیل عدم پرداخت دیه به ۵ سال زندان محکوم شد.» درست‌تر این است که بنویسید: «مرد به دلیل نپرداختن دیه به ۵ سال زندان محکوم شد.»

کلمه "عدم" به معنی نیستی در مقابل "وجود" به معنای "هستی" آورده می‌شود. روزنامه‌نگاران حتی از ترکیب "عدم وجود" در جملات خود بهره می‌برند. به این جمله توجه کنید: «سربازان دشمن به علت عدم وجود آشنایی با محل از میدان مین جان سال به‌در نبردند...» که درست آن می‌شود: «سربازان دشمن به علت آشنا نبودن به محل از میدان مین جان سالم به‌در نبردند.»

حشو:

« برای جلوگیری از تکرار مناقشه جنگ خلیج فارس...»

« بیش از صد هزار مورد شغل اعلام شده است.

« احزاب مخالف با انجام این اعتصاب خواستار استعفاء نخست وزیر شدند.

« جوهر دودایف درباره استمرار آتش‌بس برقرار شده ابراز تردید کرده است.

« در این بیانیه آمده است این‌گونه گزارش‌ها غیرمنصفانه خوانده شده است.

- ◀ یمن و عربستان گفت‌وگوی خود را درباره مسائل مرزی فیما بین در ریاض آغاز کردند.
- ◀ تاریخ خروج نیروهای آمریکایی از عراق برای ۵ ژانویه تعیین شده است.
- ◀ قرارداد فیروز کریمی در استقلال اهواز برای مدت یک سال تمدید شد.
- ◀ افزایش نارضایتی مردم نسبت به عملکرد اقتصادی دولت افزایش یافت (به‌جای "نسبت به"، "از" بگذارید).

منابع

۱. احمدی گیوی، حسن. (و همکاران). زبان و نگارش فارسی، انتشارات سمت، چاپ چهارم، بهار ۱۳۷۱.
۲. سمیعی، احمد (گیلانی). نگارش و ویرایش، انتشارات سمت، چاپ ششم، زمستان ۱۳۸۳.
۳. پورجوادی، نصرالله. درباره ویرایش، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
۴. نجفی، ابوالحسن. غلط‌نویسیم، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۲.
۵. کاخی، مرتضی. شبیره نگارش، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.
۶. سنماری، حسین. ویرایش در رسانه‌ها، انتشارات مؤسسه ایران، ۱۳۸۴.
۷. بروجردی‌علوی، مهدخت. نگارش رسانه‌ای، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۸. سنماری، حسین. درست‌نویسی (جزوه)، معاونت سیاسی صدا و سیما، دی ماه ۱۳۷۵.